

ستاره‌ها سلام

اسماعیل جبارزاده/ حماسه امروز هم ادامه دارد، شهر را غوغاییست، عطر سیب همه جا پیچیده است، بوی کرپلا می‌آید. ستاره‌هایی دنباله‌دار با همان دست‌های بسته بازگشته‌اند؛ روشن‌تر از همیشه ...

بسم الله الرحمن الرحيم

اروند به اشتیاق، آغوش موج‌های خود را در امتداد فرات باز کرده بود.

این بار نه خورشید که ماه به انتظار نشسته بود.

عاشورا در شب تکرار می‌شد و به جای زمین تفتیده، آب خروشان بستر حماسه شده بود.

کرپلا اما کرپلا بود، کرپلای ۴.

عباس و قاسم و امیر نبودند، سیدالشهدا (ع) قرن‌ها پیش شهید شده بود، اما نام آنان بر پیشانی‌بندها نقش بسته بود.

گردان‌هایی مزین به همان نام‌های مقدس به ساحل اروند رسیدند، ستاره‌های دنباله‌دار یک به یک میان آب غلظیدند، آه، قرار

بود تقدیر حماسه‌ای بس مظلومانه رقم زند، غرش توپ‌ها و خمپاره‌ها در خروش بی‌امان اروند پیچید، گلوله‌ها بی‌پروا باریدند، خورشیدی‌ها بی‌رحمانه شکافتند، اروند به سان منا و در امتداد

علقمه تا خیمه‌گاه و گودال قتلگاه قربانگاهی دیگر شده بود.

ستاره‌های دنباله‌دار «سو قربانلاری» هر کدام پهلوی شکافته، تیر بر گلو نشسته و خنجر در سینه فرو رفته اما روشن‌تر از همیشه فروغی ابدی یافته بودند.

... اروند از خروش افتاد، ستاره‌ها را دید، سُجّه زد، خون گریه کرد و لالایی شهادت سر داد:

«لای لای ای جبهه‌لرین یورقونی ای خسته جوانلار، لای لای اروند کناریندا قیزیل قانه باتانلار، خوش یاتین ای قوری توپراقلارین اوستونده یاتانلار»

ماه شرمسار از آن‌چه دیده سر در گریبان افق کرد و رفت، نوبت به خورشید رسید، چشمان خود را گشود و به تماشای مظلومیتی دیگر نشست، حماسه‌گویی ادامه داشت.

اسارت، قایق‌های شکسته به جای خیمه‌های در آتش سوخته، تازیانه‌های شمرها و حمله‌های زمانه و «ستاره‌های دست بسته».

... حماسه امروز هم ادامه دارد، شهر را غوغاییست، عطر سیب همه جا پیچیده است، بوی کرپلا می‌آید.

ستاره‌هایی دنباله‌دار با همان دست‌های بسته بازگشته‌اند؛ روشن‌تر از همیشه.

سو قربانلاری سلام

... خوش آمدید.

اسماعیل جبارزاده

لینک مطلب در سایت : <http://ostan-as.gov.ir/?MID=21&Type=News&id=19777>